



## خبر در خبر



**ایرنا** حسین نامور، مسئول ستاد عتبات عالیات بخش دلووار شهرستان تنگستان گفت: عملیات بازسازی مقبره سردار مبارزات ضد استعماری جنوب ایران؛ شهید رئیسعلی دلواری در قبرستان وادی السلام نجف اشرف آغاز شد.

**ایرنا** حمیدرضا محرابیان، مسئول کمیته فنی قنوات وزارت جهادکشاورزی گفت: چهار هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال منابع مالی امسال از محل اعتبارات ملی به لایروبی و احیای قنوات در سطح کشور اختصاص یافت.

**ایرنا** غفار آقازاده، معاون امور شهری و محیط زیست شرکت عمران، آب و خدمات منطقه آزاد کیش با اشاره به ثبت رکورد خروج اقلام بازیافتی از این جزیره گفت: خروج اقلام بازیافتی از کیش طی سال ۱۴۰۱ در مقایسه با سال ماقبل آن ۵۰ درصد افزایش یافت.

**ایرنا** داوود جعفر پور، مدیر میراث فرهنگی آبهاد درخصوص وضعیت فقلی مجموعه تیمچه صرافیان و شرایط کجبرها و تزئینات تاریخی این مجموعه گفت: این بنای تاریخی از زمانی که در اختیار میراث‌فرهنگی قرار گرفته مرمت آن آغاز شده و مجری مرمت آن نیز معاونت میراث‌فرهنگی استان فارس است.



**ایرنا** وحید جعفریان، مدیرکل دفتر امور بیابان سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری گفت: کشور با این میزان سرعت پدیده بیابانزایی، اکنون در معرض خطر تخریب سرزیمینی قرار گرفته است.

**ایستا** حسن اکبری - معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست گفت: برخی استان‌ها از جمله خراسان شمالی، خراسان جنوبی، کرمان، اصفهان و هرمزگان پیشنهادهای خود را برای قرق‌های اختصاصی مطرح کرده‌اند. سازمان حفاظت محیط زیست تقریباً از ۱۳ استان مختلف درخواست‌های متعددی را دارد.

**ایرنا** علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور در دیدار با اشتفان پرلینر هماهنگ کننده سازمان ملل متحد در ایران، بر نقش تسهیل‌گری سازمان ملل در جلب همکاری کشورهای همسایه برای تخصیص حقایه تاریخی محیط زیستی رودخانه هیرمند برای تالاب‌های هامون تأکید کرد.



**بهر** حرمت‌الله رفیعی، رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران از مخالفت آژانس داران با دریافت نرخ دلاری از گردشگران ورودی به ایران خبر داد و گفت: این اقدام، یک رانت برای عده‌ای از ذی‌نفعان است.

که نگاهم به حیات وحش به شکل عجیبی تغییر کرده بود، پذیرفته و عضو این گروه شدم.»

**آموزش جوامع محلی** طبق گفته احمدی، تا قبل از رها کردن شکار، کارش هیچ برکتی نداشت؛ درآمدم حتی کفاف زندگی‌ام را نمی‌داد اما با تغییر نگرش من نسبت به طبیعت، به یکباره زندگی و آینده‌ام تغییر کرد. گویی طبیعت به من پاداش یا جایزه‌ای خاص داده باشد. بعد از رها کردن شکار، وارد محیط جنگلبانی و محیط‌بانی شدم؛ ۲۰۳ سال مشغول کار بودم و بعد از آن شغل آزاد را انتخاب کردم. الان در سازه‌های چوبی قابل حمل و پیش ساخته مشغول به کارم. خدا را شکر کسب و کارم خوب است. حالا نه وقت اضافه‌ای دارم و نه علاقه‌ای به شکار.

او ادامه می‌دهد: «آن زمان اگر یک گردان نیروی حفاظتی تلاش می‌کرد تا جلوی من را گرفته و مانع شکار بی‌رویه‌ام شود، واقعاً موفق نمی‌شد. تا مدت‌ها خیلی در قید و بند طبیعت دوستی و حفاظت از حیات وحش نبودم تا اینکه آگاهی به این موضوع از درونم شکل گرفته و مسیرم را به کلی تغییر داد. بعد از آن همه چیز رنگ دیگری به خود گرفت. حالا حسم واقعاً قابل مقایسه با قبل نیست، شرایط را به سمت حفاظت از محیط زیست و حیات وحش تغییر داده و کمپین حامیان محیط زیست کسلیان را تشکیل دادیم. در این کمپین کارهای تبلیغاتی انجام داده و جوامع محلی را برای حفاظت از حیات وحش و طبیعت آموزش دادیم. حتی در بخش‌هایی از منطقه دوربین‌گذاری کرده و با این اقدام علاوه بر حفاظت بیشتر، آمار گونه‌های حیوانی را نیز بدست می‌آوریم. خدا را شکر الان شرایط بهتر شده؛ مردم آگاه‌تر شده و در امر حفاظت به صورت خودجوش همکاری می‌کنند.»

**بش** یک شکارچی سابق؛ آگاهی درونی پیدا کردم. بعد از آن همه چیز رنگ دیگری به خود گرفت. حالا حسم واقعاً قابل مقایسه با قبل نیست، با کمک دوستان شرایط را به سمت حفاظت از محیط زیست و حیات وحش تغییر داده و کمپین حامیان محیط زیست کسلیان را تشکیل دادیم.

هزارتومان می‌گرفتم. حسابی موی دماغ شکارچی‌ها شده بودم. حالا ۷ سال از آن زمان می‌گذرد، الان پولی برای نگهداری از حیات وحش نمی‌گیرم، اما به جای آن صندوقی در محل تأسیس کرده و ماهیانه پولی در آن قرار داده و به صورت خودجوش اقداماتی برای حفاظت از حیات وحش انجام می‌دهیم. خدا را شاکرم که مسیر زندگی‌ام تغییر کرده؛ الان خوشحالم که دیگر حیوانات بی‌گناه را شکار نمی‌کنم.»

**از شکار بیزارم** «فخرالدین احمدی» ۳۷ ساله، مجرد و ساکن سوادکوه است. او یکی از ۱۳ شکارچی ماهر سوادکوه است که تفنگ را روی زمین گذاشته و حالا از حیات وحش محافظت می‌کند. احمدی به «ایران» می‌گوید: «ما خانوادگی شکارچی هستیم؛ جد در جد ما تفنگ بدست گرفته و شکار کرده است. خب من هم دقیقاً همین راه را رفتم؛ کارم شکار گل، بز و مرال و... بود؛ گوشتشان را هم به دوستان و آشنایان می‌دادم. خیلی در فضای فروش و ارتزاقی از این راه نبودم. فقط به فکر شکار بودم و لاغیر.»

این شکارچی سابق می‌افزاید: «یک روز یک تور طبیعت‌گردی به من معرفی شد تا راهنمای آنها باشم. باورتان نمی‌شود تازه آن روز فهمیدم چقدر دنیای من با طبیعت‌گردها فرق دارد؛ من تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم. خلاصه که این اتفاق ساده، تأثیر عجیبی روی من گذاشت. رفتم رفته از شکار بیزار شدم. فهمیدم که حیات‌وحش بسیار زیباست و تک تک ما مسئول حفاظت از آن هستیم. ۲۰۴ سال بعد شخصی به نام آقای طالبی کمپینی با نام «نه به شکار» در روستای ما راه‌اندازی کرد. به من گفتند اگر عضو این کمپین شوم، شکارچیان دیگر هم دست از شکار خواهند کشید. من



یک روز یک تور طبیعت‌گردی

به من معرفی شد تا راهنمای آنها باشم.

آنها باشم.

باورتان نمی‌شود تازه آن روز فهمیدم

چقدر دنیای من با طبیعت‌گردها

فرق دارد؛ من تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.

تا آن روز حتی یکبار هم زیبایی یک گل یا پروانه را ندیده بودم، همیشه فکر شکار و کشتار حیوانات بودم. ما حتی در این مورد آموزش هم ندیده بودیم.



عکس: ایرنا

## ۱۳ شکارچی ماهر در «سوادکوه» تفنگ را زمین گذاشته و حامی حیات وحش شدند

## دخترم گوشت شکار نخورد

حیات وحش شده‌اند، گفت‌وگو کرده و چرایی این تصمیم مهم و ارزشمند را جویا شده است.

## هر قراقول ۱۰۰ هزار تومان

علی صفايي، ۴۱ ساله و پدر ۲ فرزند (دختر) است. درباره علل

شکار بی‌رویه حیوانات به «ایران» می‌گوید: «ما در روستا زندگی می‌کنیم. از همان دوران کودکی به شکار علاقه‌مند بودم. تفنگ برداشته و کبک، شوگا، قراقول و... شکار می‌کردم. آن موقع من بیگار بودم و بخشی از این کار را برای امرار معاش انجام می‌دادم. وقتی بیگار باشی از دیوار مردم که نمی‌توانی بالا بروی، راحت‌ترین راه شکار پرندگان و چهارپایان است. سال ۱۳۹۲ هر قراقول را ۱۰۰ هزار تومان می‌فروختم و پولش را به

زخمی می‌زد، آن زمان وقتی شکار می‌رفتم، تا چند روز بر نمی‌گشتم. بد جوری افتاده بودم توی این کار؛ تا سال‌ها کارم شکار و کشتار حیوانات بود تا اینکه یک روز اتفاقی افتاد و مسیر زندگی‌ام به یکباره تغییر کرد.»

## حفاظت خودجوش

او می‌گوید: «سال‌ها بود که گوشت شکار برای اهل خانه می‌آورد، یک روز دختر اولم که آن موقع‌ها حدود ۹ سالش بود گفت من دیگر گوشت شکار نمی‌خورم. او گفت که چرا این حیوانات بی‌گناه را شکار می‌کنی؟ با اینکه کم‌سن و سال بود اما حرفش تأثیر عجیبی روی من گذاشت، تا چند روز در فکر بودم. از طرفی تعداد قراقول‌ها هم بخاطر شکار بی‌رویه کم شده بود به همین دلیل به یکباره تصمیم گرفتم شکار را تا

## گزارش

## بینامیرعظیمی

خبرنگار

ورود خودجوش مردم در بحث حفاظت از گونه‌های جانوری سوادکوه یکی از اتفاق‌های خوشایند در چند سال اخیر است. طبق گفته «ابراهیم فلاحي» رئیس اداره محیط زیست سوادکوه به «ایران»، در منطقه «کسلیان» از توابع بخش مرکزی سوادکوه در مازندران، حداقل ۱۳ شکارچی ماهر تفنگ‌های خود را کنار گذاشته و حالا حامی حیات وحش شده‌اند. «ایران» با ۲ نفر از شکارچیان ماهر منطقه کسلیان سوادکوه که حالا حامی

## سنگ‌نگاره‌های ایزده وضعیت خوبی ندارند

## تاریخ الیمایی هادر برابر باد

## گزارش

## شهلا منصورى

خبرنگار

یک فعال میراث فرهنگی از وضعیت وخیم نقش برجسته‌های ایلامی شهر ایزده خبر داد و اعلام کرد که عوامل انسانی و عوامل طبیعی، میراث این سرزمین را با خطر جدی روبه‌رو کرده است. فعالان و دوستداران میراث فرهنگی نگرانند با شرایط موجود، آرزوی جهانی شدن بردل آنها بماند، اما مدیر پایگاه میراث آباپیر می‌گوید: طی روزهای آینده کارشناس ثبت جهانی و تعدادی از مدیران ستادی به ایزده می‌آیند تا بتوانیم این پرونده را به مرحله پیش‌نویس برسانیم، تا ارزیابان برای تهیه گزارش وارد عمل شوند.

شهرستان ایزده، به واسطه تاریخ کهن، نقوش برجسته مختلفی از دوره‌های مختلف ایلامی تا الیمایی دارد و به این واسطه به موزه روباز نقش برجسته معروف شده است. شهری که بخشی از آثار تاریخی آن از سال ۱۳۸۵ در فهرست موقت یونسکو در ایران قرار گرفته و مردم و مسئولان خوزستانی امیدوارند که بتوانند این شهر تاریخی را در فهرست آثار جهانی به ثبت برسانند. در تمام این سال‌ها آنها تلاش کرده‌اند موانع موجود در روند پرونده را رفع کنند اما برخی سودجویان، حفاران غیرمجاز، قاچاقچیان، افراد ناآگاه به میراث فرهنگی، پدیده‌های جوی و عوامل طبیعی، میراث این سرزمین را با خطر روبه‌رو کرده است.

**وضعیت وخیم نقش برجسته‌ها** مجتبی گهستونی، فعال میراث فرهنگی با اشاره به وضعیت وخیم سنگ‌نگاره‌های ایلامی



عکس: ایرنا

حالی که این شهر همیشه کاندیدی ثبت جهانی بوده است.

**پایگاه آباپیر** گهستونی درخصوص پایگاه آباپیر می‌گوید: این پایگاه توجه به این نقش برجسته‌ها را اولویت قرار داد و به رصد، حفاظت، کاوش و مرمت می‌پرداخت و طرح‌های گردشگری را لحاظ می‌کرد، اما متأسفانه این پایگاه نیز دستخوش تغییرات مدیریت قرار گرفت و به دلیل نبود امکانات و کارشناسان زبده و کافی آسیب دید. به گفته او، سال‌های متصادی یک نقش‌برجسته باجول در حیاط اداره میراث فرهنگی ایزده نگهداری می‌شد و در چند سال اخیر موزه آثار تاریخی راه‌اندازی شد و آثار مهمی در آن جای گرفت اما در کوتاه‌ترین زمان ممکن موردی توجهی قرار گرفت و بیشتر اوقات سال تعطیل است. این پایگاه حفاظتی در شرایط بسیار بغرنجی قرار دارد.

وی با اشاره به تأکید دفتر ثبت آثار، علاوه بر عوامل طبیعی، عوامل انسانی نیز به تخریب آنها دامن زده است. یکی از آثار محو‌شده و واسطه تعرض انسانی نقش برجسته مرد هرکول فالخ در شهرستان ایزده است. مردی که روی یک دست لم داده و کاسه‌ای در دست دارد که برای همیشه محو شد. او می‌گوید: نقش برجسته آثار شیبوند که بخشی از آن تخریب شد یا رنگ‌آمیزی‌هایی که درگذشته در اشکفت سلمان انجام شد، نمونه‌هایی از تعرض انسانی است. گهستونی، می‌گوید: حتی دست کشیدن یا لمس به وسیله دست انسان، آسیب‌هایی به این آثار زده است که روی نقش برجسته‌ها ماندگار شده‌اند. او ادامه می‌دهد: ایزده طی ۲۰ سال گذشته جزو کانون‌های ثبت جهانی بود اما به دلایل مختلف ترک‌های عمیقی بردارند. سطح برخی از آنها را گل سنگ پوشانده و برخی از آنها دیگر محو شده است. به گفته این فعال میراث فرهنگی،

حتی دست کشیدن یا لمس به وسیله دست انسان، آسیب‌هایی به این آثار زده است که روی نقش برجسته‌ها ماندگار شده‌اند.

**بش**